

ترامپ در مسیر برخورد با خود

مرو «پیام‌های متناقضی» که ترامپ درباره ایران ارسال کرده است و تناقض اقداماتش، سی‌ان‌ان را نیز به همان سوآلی رسانده که بلومبرگ و نیویورک‌تایمز دیگران را: «اینها این سوآل را ایجاد می‌کنند: کسی هیچ ایده‌ای دارد که بازی نهایی ترامپ چیست؟ شامل خود رئیس‌جمهور؟». برگسن در تحلیلش با مرور اقدامات ایران و نزدیکانش در منطقه در واکنش به رفتارهای آمریکا، به تأثیر آنها روی یک عامل مهم برای ترامپ هم اشاره می‌کند: «دولت ایران این را هم می‌فهمد که ترامپ روی قیمت نفت هم بسیار حساس است؛ قیمتی که معمولا هر وقت تنش‌ها در خاورمیانه بالا می‌رود، اوج می‌گیرد. پنجشنبه هم بعد از اینکه ایرانی‌ها پهباد ایالات متحده را ساقط کردند، قیمت‌های نفتی به بالاتر از بشکه‌ای ۶۴ دلار پریدند». این تحلیل سی‌ان‌ان هم با اشاره به مشکل ترامپ در همراه‌کردن متحدانش علیه ایران تمام می‌شود: «ایالات متحده در قبال ایران اهرم چندانی روی اروپایی‌ها ندارد، چون آنها همچنان به حمایت از توافق ایران ادامه می‌دهند. خود ترامپ هم چندان در این کشورها محبوب نیست، بنابراین اگر منازعه با ایران عمیق‌تر شود، منتظر کمک چندانی از سوی آنها نباشید». البته تلویزیون سی‌ان‌ان مشخصا بسیار بی‌باز این و آن به حضور کارشناسان متفاوتی به این موضوع پرداخت که یک نمونه آن این موضع‌گیری دان لمون، از مجریان مشهور این شبکه، بود: «سابقه رئیس‌جمهور دونالد ترامپ در گفتن حرف‌های خلاف حقیقت باعث می‌شود آمریکایی‌ها و متحدان ایالات متحده به‌سختی بتوانند به آنچه او درباره ساقط‌کردن پهباد آمریکایی توسط ایران می‌گوید، اعتماد کنند».

فاران پالیسی: از نرمتان افراش نمی‌دهد

ترامپ در واکنش‌هایش به ماجرای پهباد گفته بود خوشبختانه این پهباد بدون سرنشین بوده است. این جمله از سوی ترامپ با تمسخر مخالفانش در شبکه‌های اجتماعی همراه شد اما چیزی که ترامپ ظاهرا تلاش داشته به آن اشاره کند، نکته‌ای است که فاران‌پالیسی به تحلیل آن پرداخته.
اریک لین گرینبرگ درباره ابعاد نظامی و فنی اقدام ایران درباره پهباد «گلوبال‌هاوک» استدلال می‌کند این حمله لزوماً به افزایش تنش منجر نمی‌شود: «در واقع، ممکن است ایران دقیقا به این خاطر این پهباد را ساقط کرده که این کار را به عنوان ابزاری برای نشان‌دادن ناراضیاتی‌اش از ایالات متحده دیده، بدون خطر تشدید تنش‌ی که با حمله به یک وسیله سرنشین‌دار همراه است. تصمیم درباره افزایش تنش این بحران یا خودداری از این اکنون در دست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده و تیم امنیت ملی‌اش است.

ادعای گرینبرگ ظاهرا پشتوانه تحقیقاتی دارد: «در تحقیقاتی که هنوز در جریان است، من دریافت‌ام که سیستم‌های کنترل از راه دور، مثل پهباده‌ا، می‌توانند به محدودکردن تنش‌ها در بحران‌های بین‌دولتی کمک کنند. از یک طرف، ممکن است دولت‌ها بیشتر مایل به ساقط‌کردن پهباده‌ها باشند تا سیستم‌های سرنشین‌دار. انجام این کار به دولت اجازه می‌دهد محکم به نظر برسند، بدون اینکه جان نیروهای دولتی رقیب را به خطر بیندازد؛ برای مثال حمله به پهباده‌ها ممکن است ناراضیاتی از سیاست‌ها یا اقدامات نظامی یک دولت خصم را نشان دهد، عملیات نظارتی و جاسوسی رقیب را دچار پیچیدگی کند، یا قدرت نظامی را به رخ می‌خوابانند داخلی و بین‌المللی بکشند، همه اینها برای گرفتن جان یک انسان». در ادامه فارن پالیسی با بررسی ویژگی‌های فنی این پهباد، تصمیم ایران برای هدف‌ قراردانش را مهم می‌شمارد. گرینبرگ در مقایسه با تصمیم ایران برای نشاندن یک پهباد دیگر ۲۰۱۱ در معتقد است ایران این‌بار به دنبال ارسال پیام آشکارتزی بوده است. نکته مهم دیگر، گران‌تر بودن و کم‌تر بودن تعداد پهبادهای تریتون، مدل این پهباد، با پهبادهای ریزر مربوط به برخورد قبلی است که باز نشانه جدیت ایران در ارسال پیام است.
باین‌حال او در بخشی از تحلیلش بازمه بی‌سرنشین‌بودن هدف حمله را مهم می‌داند: «در دست‌رفتن یک ماشین به‌جای [جان] خلبانان آمریکایی، باید به کاخ سفید اجازه دهد که به دولت اجازه به موشک، با کلمات و اقدامات غیرنظامی واکنش نشان دهد. در واقع، تمایز قائل‌شدن ترامپ بین پهباده‌ا و ابزارهای سرنشین‌دار حاکی از همین است که ممکن است او مقابله‌به‌مثل را محدود کند و از تشدید بیشتر تنش جلوگیری کند».

بیزنس اینسایدر: تقابل ترامپ و اطرافیان‌ش
بالاخره بیزنس اینسایدر، نشریاتی که داگانه به تقابل نظر ترامپ با همراهانش اختصاص داده است. این رسانه با فوریست‌کردن حامیان متعدد تقابل با ایران در میان اعضای دولت، مجریان فاکس‌نیوز و جمهوری‌خواهان دیگر اما به اینجا می‌رسد که «ترامپ تا اینجا در مقابل فراخوان‌ها برای اقدام مقاومت کرده است». این مطلب نیز به تمایل ترامپ برای اتفاقی‌بودن حمله به پهباد اشاره کرده است: «به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور نسبت به مقصر خواندن مقامات دولت بی‌میل است؛ با این حرف که تصور می‌کنم کسی اشتباهی کرده است». دراین نکته‌ای که به نظر قابل‌توجه می‌رسد، بی‌میلی و این اعتمادی رسانه‌های آمریکایی در همراه‌شدن با موضع دولت علیه دشمنی قدیمی برای آمریکا است. دلیل این رفتار را شاید در این کنایه از استیون کولبرت، کم‌دین و مجری برنامه «لین نایت» باید جست: «حرف چه کسی را باور خواهید کرد، ایران یا دولت آمریکا؟ این سوآلی است که زمانی پاسخش بسیار ساده بود».

ادامه از صفحه ۶

است و یک‌عده جوان عصبانی و ناراحت هستند و تقصیر حسن روحانی است و تمام می‌شود. من به عنوان استاد علوم سیاسی می‌گویم اتفاقا یکی از مهم‌ترین شعارها در ۴۰ سال گذشته در ایران همین شعار بوده. چرا؟ چون این شعار مانده و الان که در خرداد ۹۸ هستیم و یک‌سال‌واندی از اعتراضات گذشته همچنان این شعار دست به دست می‌شود. این نشان می‌دهد این شعار زمینه اجتماعی داشته است. چرا این وضعیت به وجود آمده؟

من از شما می‌پرسم، آیا از دی ۹۶ تا امروز که نزدیک به یک‌سال‌ونیم از این داستان می‌گذرد، یک بار شده اصلاح‌طلبان بگویند حوادث، ناراضیاتی‌ها و اعتراضات دی ۹۶ را دور هم جمع‌بندی کرده‌ایم و پیشنهادهایی داریم که چه باید کنیم؟ اصلا و ابدا. هیچ‌کس به این سؤال پاسخ نمی‌دهد.

به نظرم این بهانه است. چون اتفاقا مشکل مسئولان نیست. مشکل ایران و مملکتمان است. **۴ این شعار می‌گوید مشکلات تقصیر همه است.**

اتفاقا آن شعار می‌گوید «اصلاح‌طلب دیگه تومسه ما مجرا». من هم اتفاقا با چند نفر از اصلاح‌طلبان صحبت کردم و گفتیم تصمیم ندارید این جریان‌ات را بررسی کنید که دلخوری دهه‌هفتادی‌ها از شماس‌ت. می‌تونیم کاملا متوجه شویم چرا از اصولگراها بریده‌اند اما چرا باید نسبت به اصلاح‌طلبان بغض و کینه داشته باشند؟ مگر قدرت دست اصلاح‌طلبان بوده و می‌توانستند کاری انجام دهند و انجام ندادند.

۴ ماجرای دی ۹۶ دقیقا زمانی بود که برگ برنده برجام دست دولت بود اما باز هم این اتفاقات افتاد.

با این‌حال هیچ حرکتی نکردند. چون جریان اصلاحات رهبری ندارد. هر آتهامی که به اصلاح‌طلبان به نظام وارد کنند، این را نمی‌توانند بگویند که نظام باعث شده نتوانیم دور هم جمع شویم و تصمیم بگیریم و رهبری و شعار استراتژیک به وجود بیاوریم. چرا راه دور می‌روید. صد نماینده لیست امید در مجلس داریم که سه سال است در مجلس هستند. یک بار شده یکی از این صد نفر یک نطق قبل از دستور یا مطلب در حد حد می‌شود اما بعد بگویند؟ خیر. این هم تقصیر شورای نگهبان است یا وزارت اطلاعات و دادستانی مستقر در اوین؟ این دیگر بی‌ماکی خودمان است. بنابراین معتقدم بزرگ‌ترین مشکل اصلاح‌طلبان فقدان استراتژی و فقدان تشکل و رهبری است. فقط کاریزمای آقای خاتمی بود که آن هم رو به اتمام است و ایشان هم متوجه شده‌اند. کدام چهره و شخصیت اصلاح‌طلب اگر به مردم بگوید پای صندوق بروید و رای بدعید قبول می‌کنند؟ این را به شما می‌گویم چون با تمام وجود حس کرده‌ام و معتقد بودم باید در انتخابات ۹۶ شرکت می‌کردیم. همه انتقاداتی که به حسن روحانی داشتیم محفوظ، اما باید در انتخابات ۹۶ شرکت می‌کردیم. بارها هم گفته‌ام که به این دلیل باید شرکت کنیم که کشور مجدداً به دست جراینی که از ۸۴ تا ۹۲ قوه مجریه را در اختیار داشت، نیفتد. منته‌ا هر‌جا که می‌رفتم، به استان‌ها و دانشگاه‌ها که می‌رفتم، بزرگ‌ترین مشکل و دردسر من به‌خصوص در مواجهه با جوانان این بود که می‌گفتند چرا باید در انتخابات شرکت کنیم؟ چه آبی از رای‌دادن گرم شده که باز می‌گویند رای دیم؟ پاسخ‌هایی می‌دادم، یک‌عده در محاب می‌کرد و یک‌عده را نه. این وضعیت بود تا روزهای آخر که یکباره موجی به وجود آمد و عده زیادی که تردید داشتند رای دهند یا نه، در ۴۸ ساعت آخر تصمیم گرفتند رای دهند.

۴ من هم جزء همان‌ها بودم.

به همین خاطر خیلی از حوزه‌های رای‌گیری در چند ساعت آخر جمعه ۲۹ اردیبهشت با صف‌های طولانی‌ای مواجه بودند؛ به‌خصوص در مناطق شمال‌ وشرق و مراکز استان‌ها. چون کسانی که به طور سنتی رای می‌دادند صبح جمعه رفته بودند. بخش عمده‌ای از ۲۴ میلیون نفر کسانی بودند (آمار دقیقی نیست ولی کم نبودند کسانی که) با تردید و در دقیقه ۹۰ رای دادند. سخت است اینها دوباره رای صندوق بروند و آقای خاتمی درست می‌گوید؛ ما خودمان را شمع-آجین هم کنیم روی آنها تأثیر زیادی نخواهیم داشت. از حالا تا ۱۴۰۰ روی اتفاقاتی بیفتد نمی‌دانم ولی در انتخابات مجلس که ۹ ماه دیگر است، بعید می‌دانم باز مردم پرشور حضور یابند. البته تفاوت انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری این است که به اصلاح‌طلبان این است که یک سری رقابت‌های محلی و قبیله‌ای وجود دارد؛ اینها رای می‌دهند ولی انتخابات اصلی، ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ است که به نظر به جز ۸میلیونی که به آقای رئیسی رای دادند، از ۲۴ میلیون بقیه خیلی‌هایشان دچار تردیدند و چاره‌ای نداریم جز اینکه بنشینیم و ببینیم باید چه کنیم.

حالا پرسشی من با اصلاح‌طلبان این است که شما مگر وطن‌پرست و ایران‌دوست نیستید، مگر نمی‌گویید ایران برای ایرانی‌ها، وضع اقتصادی و سیاسی ما منظما خراب می‌شود. ناامیدی جوانان و خط فقر بیشتر می‌شود. تعداد کسانی که در نوبت مهاجرت هستند بیشتر می‌شود. اصلا بحث اصلاح‌طلبی و اصولگرایی را راه نماند، الان مسئله ایران مطرح است. یک‌سری مجموعه داریم

که سیاست‌هایش بعد از این همه سال خیلی موفقیت‌آمیز نبوده است. آیا می‌خواهیم بگوییم به ما مربوط نیست چون ما در قدرت نبودیم. این‌گونه از ما رفع تکلیف می‌شود؟ مگر این‌که به من بگویند شما سیاه می‌بینید و بدبین هستید. اما این‌طور نیست که بگویم الحمدلله قطار تهران- ساوجبلاغ کشیده می‌شود و یک‌عده از خارج‌نشین‌ها دوباره برمی‌گردند. من به هر جنبه که نگاه می‌کنم مشکل داریم، مثلا ترکیه در چند سال گذشته مشکلات زیادی داشت اما در ۲۰۱۸، ۱۵۰میلیارد دلار صادرات داشت. من و شما می‌تونیم متوجه شویم این رقم یعنی چه، چون صادرات ما در بهترین حالت به ۳۰میلیارد می‌رسد. ترکیه کشوری است که در یک یک‌پسول گاز دارد نه یک بشکه نفت. ۴۰ میلیون توریست در سال ۲۰۱۸ به ترکیه رفته، گفته می‌شود هر ۱۳ جهانگرد که می‌آید، معادل یک اشتغال است.

ببینید حدود چهار، پنج میلیون نفر فقط در صنعت گردشگری ترکیه فعال‌اند. خودتان را با ترکیه، افغانستان، پاکستان و مالزی مقایسه کنید. فاصله و شکاف بین ما مدام بیشتر می‌شود. اصلاح‌طلبان یا باید بگویند به ما ربطی ندارد و مسئولیتی نداریم، یا باید بگویند چه باید بکنیم اما در اینجا هم سکوتی مطلق از اصلاح‌طلبان می‌شنویم. یقین دارم دل اصلاح‌طلبان بیشتر از دل صائد زیباکلام برای آینده ایران می‌سوزد اما بالاخره باید شاهد یک حرکت و نشستی باشیم.

۴ اجازه دهید اینجا از اصلاح‌طلبان دفاع کنم. سال ۹۲ اصلاح‌طلبان می‌خواستند در انتخابات شرکت کنند، چون شاهد اتفاقاتی بودند که در دولت احمدی‌نژاد افتاد. یک کاندیدا داشتند و به این نتیجه رسیدند که نمی‌توانند با آن رای بیاورند پس پشت سر حسن روحانی رفتند و رای آوردند. به نظر اینجا سیاست بهنگامی بود که اصلاح‌طلبان انجام دادند و نتیجه‌اش برجام بود که حداقل در بحث اقتصادی برای دولت روحانی و اصلاح‌طلبان که پشت سرروحانی ایستاد بودند می‌توانست برگ برنده باشد. اصلاح‌طلبان می‌توانند بگویند اگر دولت دست ما نبود شاید برجامی هم نبود.

حرف شما را قبول دارم که سال ۹۲ تصمیممان بسیار درست بود که پشت سر آقای روحانی قرار گرفتیم. مرحوم هاشمی و آقای خاتمی گفتند که پشت سر روحانی باشید. منته‌ا مشکل ر ۹۶ افتاد؛ یعنی نداشتن محبوبیت. در چهار سال اول روحانی پایگاه اجتماعی ما خیلی متزلزل نشد، اگر شده بود سال ۹۴ نمی‌توانستیم مردم را پای صندوق‌های رای بیاوریم. اسفند ۹۴ یک اصولگرا نتوانست از تهران به مجلس برود که موفقیت کمی برای اصلاح‌طلبان بود. دو سال بعد هم در اردیبهشت ۹۶، ۲۴ میلیون رای برای روحانی جمع کردیم. منته‌ا مشکل از ۲۹ اردیبهشت ۹۶ به بعد شروع شد.

باید اصلاح‌طلبان بررسی می‌کردند که چوب چه چیزی را می‌خوریم که دهه هفتادی‌ها شعار می‌دهند: «اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه تومسه ما مجرا». آقای خاتمی بعد از اینکه به فراکسیون امید گفت «من هم دیگر بگویم تکرار می‌کنم فایده‌ای ندارد، باید به اطرافیان‌ش می‌گفت چند نفر از استادان دانشگاه و روزنامه‌نگاران را جمع کنید و ببینید چه باید بکنیم، اما این کار را نکرد. اگر اصلاح‌طلبان رفته بودند دنبال اینکه چوب چه چیزی را می‌خوریم که این‌قدر عدم محبوبیت پیدا کرده‌ایم، متوجه می‌شدن ریختن همه بار گناه به گردن حسن روحانی اتفاقا قرار از مسئولیت است. درست است که روحانی به مطالبات ۲۴ میلیون نفر کم‌توجهی کرد و حتی یک بار بعد از اردیبهشت ۹۶ درباره حرف‌هایی که منافع صحت نکرد، پس چرا می‌گویم همه مسئولیت متوجه روحانی نیست. چون مصیبتی که از ۲۹ اردیبهشت ۹۶ به بعد گریبانگسر ما اصلاح‌طلبان شده به این دلیل است که هیچ استراتژی مشخص، منضبط و منسجمی در قبال «چه باید کرد» نداشتیم.

نتوانستیم به مردم بگوییم ما و روحانی

سیاست

اکنون چه باید کرد؟



مهدي کروبي، نماینده مجلس شورای اسلامی، عضو سابق مجمع تشخیص مصلحت‌ها

تکلیفمان چیست. برخی از اصلاح‌طلبان وقتی با سوء‌عملکرد روحانی روبه‌رو شدند، مثل آقای خاتمی سکوت کردند، برخی‌ها من‌کنان گفتند پشیمان شده‌ایم، برخی گفتند هیچ‌گاه با اعتدال و میان‌روی ائتلاف نمی‌کنیم، هرچند نام آقای روحانی را نبردند ولی اقلیتی (که خودم و آقای تاجزاده را جزءشان می‌دانم) هرجا بودیم گفتیم کاری که در ۲۹ اردیبهشت ۹۶ کردیم درست بود. هر جا که بودم گفتم اگر چرخ به عقب برگردد و همچنان بدانم حسن روحانی به مطالبات ۲۹ اردیبهشت ۹۶ پشت خواهد کرد، باز هم معتقدم باید به روحانی رای دهیم تا جریان ۸۴ تا ۹۲ دوباره قوه مجریه را در دست نگیرد. بخش دیگر کار من این بود که منطما حسن روحانی را انتقاد کردم، شما اگر نگاه کنید می‌بینید در جبهه خودمان هیچ‌کس به‌اندازه من از روحانی انتقاد نکرده، طعنه به او نزده و نامه سرگشاده به او ننوشته است.

این کار را آقای خاتمی باید انجام می‌داد چون ما در قبال آن ۲۴ میلیون نفر مسئول هستیم. مردم بازبچه ما نیستند که بگویند رای دهید و بعد بگویم متأسفانه روحانی به وعده‌هایش عمل نکرد و ما هم از ایشان گله داریم. ما باید می‌گفتیم کاری که کردیم درست بوده اما باید مدام به روحانی هشدار می‌دادیم که مطالبات چه شد. در این صورت دیگر مردم نمی‌گفتند «اصولگرا، اصلاح‌طلب دیگه تومسه ما مجرا»، چون در قبال نقشی که ۲۹ اردیبهشت ۹۶ برعهده داشتیم مردم را رها نکرده بودیم. با نهایت صداقت می‌گفتم کاری که از دستمان بر نمی‌آید این است که با تمام وجود از روحانی انتقاد کنیم. از دولت چندین‌بار به من پیغام داده شد که این حرف‌ها چیست که تو می‌گویی، اما من این حرف‌ها را خواندم که گفت که آنها ناراحت شوند اما یک دست صاف ندادند.

این کار را رهبری اصلاح‌طلبان باید انجام می‌داد نه من. باید از فردای انتخابات می‌گفتند مردم به ما اعتماد کردند و ما در قبال رای‌شان مسئولیت داریم. نباید روحانی و مردم را رها می‌کردند. باید پیوسته به روحانی مطالباتی را پی‌آوری می‌کردند که مردم ببینند اگر ما به آنها گفتیم به روحانی رای دهید، این‌طور نیست که روحانی هر کاری کرد بگوییم به ما مربوط نیست.

نمی‌گویم آن وقت ۲۴ میلیون همه‌شان مجدداً به حرف آقای خاتمی گوش می‌دادند، اما درصدی از آنها می‌گفتند اینها هم روحانی را تحت فشار گذاشته‌اند. ولی ما سکوت کرده‌ایم و اینکه ما با اینها همکاری و شراکت نمی‌کنیم؛ اینها خطاهای وحشتناکی است که رهبری اصلاحات بعد از ۲۹ اردیبهشت ۹۶ انجام داده است. باید محکم به مردم می‌گفتم رای‌مان به روحانی درست بوده و از سوی دیگر با تمام قوا به کمک رسانه‌ها، مجلس، قوه قضائیه و... روحانی را تحت فشار می‌گذاشتیم که مطالباتمان چه شد. شما به جز سکوت از اصلاح‌طلبان چه چیزی دیده‌اید. هرازگاهی گفته‌اند ما هم از آقای روحانی گلیایه داریم و ما روحانی انتظاراتی داشتیم.

۴ آقای روحانی می‌تواند راست بگوید این مشکلات هست اما من برایتان برجام را درست کردم اما اینکه آمریکا از برجام خارج می‌شود بحث دیگری است.

نمی‌خواهم وارد بحث برجام شوم، اتفاقا در مورد برجام هم اصلاح‌طلبان کوتاهی کردند. بعد از برجام در روزنامه شما سرمقاله‌ای نوشتیم تحت این عنوان که برجام یک روح و یک جسم دارد. جسم برجام صدورده‌ای صفحه است که ما، آژانس، اتحادیه اروپا و آمریکا باید چه کارهایی انجام دهیم. روح برجام این است که به نظر می‌رسد ایران تاحدی آمریکاستیزی را تعدیل می‌کند و می‌گویند حامیزب ما آمریکا در جاهایی که منافع مشترک داریم، همکاری کنیم. در مقاله دیگری توضیح دادم که ما با آمریکا در خیلی از جاها منافع مشترک داریم. ما و آمریکا نمی‌خواهیم طالبان در افغانستان باشد. نمی‌خواهیم سلفی‌های تندرو و داعش در عراق و سوریه باشند. در بحث حقوق بشر و اسراییل هم با آمریکا اختلاف‌نظر داریم. اگر هر هسته‌ای توانستیم با آمریکا به توافق برسیم،

چرا در موارد دیگر نتوانیم؟ جریان‌ات اصولگرا گفتند فقط‌فقط برجام درباره مسائل هسته‌ای بوده و آمریکاستیزی و دشمنی ما باهم باید سر جایش بماند و ماند. اینجا به روحانی ارتباط ندارد. اینجا اصلاح‌طلبان به‌عنوان جریان آزادی‌خواه باید پشت این قضیه می‌ایستادند که آقای روحانی باید برجام‌های دیگر هم انجام دهد اما مثل سال ۹۶ سکوت کردیم. بنابراین دست‌کم اصلاح‌طلبان را، نه به‌اندازه آمریکایی‌ها، در شکست برجام مقصر می‌دانم چون نگفتیم دیدیم می‌شود با گفت‌وگو به جلو رفت؟

۴ الان چه باید کرد؟ به‌جز انتخابات، مشکل این است که برجام کم یا بی‌خاصیت شده است و دشمنی داریم که احساس می‌کنیم تا پشت در هم آمده است.

با این سوآل خیلی مواجه می‌شوم. معتقدم ریشه نه فقط بخشی از مشکلات و مسائلمان، بلکه ریشه تمام مشکلات و مسائلمان در سیاست خارجی، در اقتصاد و این‌همه مفاسد اقتصادی، مسائل سیاسی، افسردگی جوانان، عشق به مهاجرت و... تماما در کم‌رنگ‌بودن نهال دموکراسی و آزادی در ایران است. مردم عادی یا کنشگران سیاسی و اهالی مطبوعات همگی یک رسالت داریم که خواهان توسعه دموکراسی در ایران شویم. هیچ گزینه دیگری نداریم و زمان‌بر هم خواهد بود. اگر از من بپرسید چرا مجلس که عصاره ملت است و باید در رأس امور قرار داشته باشد، در قعر امور است، من از شما می‌پرسم در چند سال گذشته مجلس در کدام مسئله مهم ورود کرده. در جوامع دیگر هر اتفاقی می‌افتد، مجلس جلسه تشکیل می‌دهد. در جامعه ما این‌همه مسئله اتفاق می‌افتد، مجلس در سیاست خارجی، مسئله لبنان و سوریه و مسائل هسته‌ای و برجام کجاست؟ چرا مجلس نباید در رأس امور باشد؟ پاسخ من روشن است، چون نهال دموکراسی در جامعه کم‌رنگ است. آزادی و دموکراسی وقتی بیشتر باشد، مسائل جدی‌تر جامعه بیشتر در فضای مجازی و مطبوعات منعکس می‌شود؟ بنابراین راه اصلاح وضعیت موجود فقط تقویت دموکراسی است؛ منته‌ا دموکراسی خم رنگ‌رزی نیست. دموکراسی راه دشوار و کند و مطمئنی است. اگر به عقب برگردید، اگر کسی از من بپرسید که از هشت سال اصلاحات چه باقی مانده، می‌گویم چهار روزنامه که کمی مستقل هستند. اینها محصول آن هشت سال هستند. به قبل از آن هشت سال برگردید، اعتماد و شرق و آرمان و... نبود. می‌توانید حساب کنید اگر از دوم خرداد ۷۶ واقعا دنبال تحقق دموکراسی رفته بودیم، الان چهار حزب و ان جی‌او و اتحادیه کارگری و شورای معلمان هم داشتیم که مستقل بودند. تنها راه پیشرفت به وجود آوردن اینهاست. یکی، دو ان‌جی‌او بود که در زمینه مسائل زنان فعالیت داشتند و دستگاه‌های مسئول خودشان را موظف می‌دانستند که مثلا گفتن زندانی‌چرا با چاقو کشته شده است؟ تنها راه پیشرفت در جامعه ما بسخگو کردن بخش‌های مختلف است و هیچ راه دیگری نیست.

۴ قبول داریم که دموکراسی راه دشواری است. مردم هم همیشه این راه را می‌روند. مثلا یک بار در انتخابات مشارکت پایین بود، یک بار رای دادند. همه اینها را می‌تونیم بهنگام بنامیم؟ اینها را باید رهبری اصلاحات مشخص کند. در دانشگاه اهواز میتینگ بزرگی بود و سوآل این بود که چرا به‌عنوان اصلاح‌طلب دنبال محمدرضا عارف نیستید و دنبال روحانی هستید. پاسخ من این بود که من زیباکلام تشکیلاتی کار می‌کنم. من به رهبری اصلاحات گوش می‌کنم که چه می‌گوید. رهبری اصلاحات باید به روحانی رای دهید و من خودم را موظف می‌دانم. هو کردند و گفتند تو استاد دانشگاه هستی؟ گفتم بله اما نمی‌تونیم فردی عمل کنیم باید تشکیلاتی عمل کنیم. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما این است که برای انتخابات مجلس یازدهم چه باید کرد؟ باید شرکت کنیم یا نه؟ از صادق زیباکلام نباید مشخص کند بلکه رهبری اصلاحات باید تعیین تکلیف کند. نظر شخصی من این است که باید حداقلی را تعیین کنیم که اگر مقبول افتاد، در انتخابات شرکت می‌کنیم. ما برای تهران، رشت، اردبیل و... لیستی از حداقل‌هایمان می‌گذاریم.

۴ که هرچقدر تأیید صلاحیت شدند با همان‌ها در انتخابات شرکت کنیم.

دقیقا، بعد از آن رهبری اصلاحات و اعضا باید جلسه بگذارند که حداقل انتظار داشتیم از تعدادی که می‌خواستیم فلان تعداد را شورای نگهبان نگه دارد و چون این‌طور نشده ما نظران این است. اصولگرایان همیشه ۱۷، ۱۸ میلیون رای خود را دارند.

ما هستیم که وقتی ۲۴ میلیون نفر برایمان رای می‌دهند، انتظاراتی هم دارند که وقتی برآورده نمی‌شوند، شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه تومسه ما مجرا» داده می‌شود. بنابراین حداقل تقاضایمان را به شورای نگهبان می‌دهیم و اگر این حداقل‌ها برآورده نشود، نظراتمان را به مردم می‌گوییم. ضمن اینکه معتقدم راه دیگری به‌جز شرکت در انتخابات نداریم. اگر حداقل برآورده شد با تمام وجود در انتخابات شرکت می‌کنیم و سعی می‌کنیم ۲۴میلیون را مجدداً مجاب کنیم که در انتخابات شرکت کنند؛ منته‌ا تصمیم نهایی با رهبری اصلاحات است.

ماجرای سرنگونی گلوبال هاوک

وی گفت: نیروهای مسلح ایران حتی الامکان خویشتن‌داری پیشه می‌کنند تا امنیت و آرامش منطقه حساس خلیج فارس و دریای عمان حفظ شود ولی اگر طرف مقابل دست به اقدامات تحریک‌آمیز و تسنجیده بزند با پاسخ متقابل مواجه خواهد شد که پیامدهای آن قابل پیش‌بینی نیست و زیان و خسارت آن متوجه همه طرف‌ها خواهد بود.
سفری سوئیس در این دیدار گفت که مراتب را بلافاصله به واشنگتن منتقل خواهد کرد.
در دیگر سو، یعنی نیویورک تنها شهر آمریکایی که دیپلمات‌های ایرانی امکان حضور و تردد دارند، فضا برای رایزنی دیپلماتیک دنبال شد. نماینده ایران در سازمان ملل در نامه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل که نسخه‌ای از آن برای رئیس شورای امنیت سازمان ملل نیز ارسال شده، ماجرای این پهباد را توضیح داد: «این اقدام پس از اظهارهای مکرر به پهباد مذکور و طبق حق ذاتی ایران در دفاع مشروع از خود طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، صورت گرفته است».
روانچی با بیان اینکه «کشورمان در یک جنگ نیست»، اعلام کرده که در عین حال ایران حق مسلم خود را برای اتخاذ هرگونه اقدام لازم در مقابل نقض حریم سزمزین خود محفوظ می‌دارد و مصمم است قاطعانه از مرزهای هوایی، آبی و خاکی خویش دفاع کند.
در همین راستا، سخنگوی شورای عالی امنیت ملی نیز گفته بود که «تهران از آمریکا به دلیل تجاوز نظامی، به سازمان ملل متحد شکایت خواهد کرد».

کنش‌رواکنش‌های ترامپ

دونالد ترامپ در اولین ساعات بعد از این حادثه در واکنشی نوشت «ایران اشتباه بزرگی مرتکب شده است». اما این تنها موضع‌گیری او نبود. او ساعتی بعد از جمع خبرنگاران این احتمال را مطرح کرد که شاید ایران در ساقط‌کردن این پهباد اشتباه کرده باشد. «برای من سخت است که باور کنم این اتفاق عمداً رخ داده است». «من احساس می‌کنم این اشتباه توسط فردی در اینک رئیس‌جمهور آمریکا با اشاره به اینکه کسی در این حمله شرکت نشده گفت این موضوع که حادثه تلفات جانی نداشته، بسیار مهم است. اما ساتاتی بعد از کاخ سفید گزارش شد که جلسه سران دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه سنا تا ترامپ برای تصمیم‌گیری در مورد این حادثه برگزار شد. جلسه‌ای که البته خبری رسمی از آن بیرون نیامد. اما نانسی پلوسی رهبر دموکرات‌ها گفت که فضا به سمت جنگ نخواهد رفت درحالی‌که روایت جمهوری‌خواهان حاضر در جلسه متفاوت بود.
باین‌حال خبرهای بعدی دال بر این بود که ترامپ تصمیم گرفته سه پایگاه هسته‌ای ایران را بمباران کند؛ اما درحالی‌که برخی رسانه‌ها حتی از آماده‌شدن هواپیماها برای پرواز خبر می‌دادند، ترامپ تصمیم حمله را متوقف کرده است. درحالی‌که رسانه‌های آمریکایی در حال گمانه‌زنی درباره علت این اتفاق بودند، ترامپ در تویییتی نوشت «آنها یک فروند هواپیمای بدون سرنشین را در آب‌های بین‌المللی ساقط کردند. شب گذشته آماده تلاقی به سه پایگاه در ایران بودیم، وقتی سوآل کردم چند نفر کشته می‌شوند؛ گفت ۱۵۰ نفر کشته خواهند شد. ۱۰ دقیقه پیش از حمله، آن را متوقف کردم. این کشته‌ها با سرنگونی یک هواپیمای بدون سرنشین تأسب ندارد، من عجله ندارم. ارتش ما بازسازی و جدید شده و آماده رقتن به هر جای جهان در بهترین حالت است». او این ادعاها را با همان چاشنی‌های همیشگی درباره توافق اوپاما همراه می‌کند و می‌گوید «رئیس‌جمهور اوپاما یک توافق‌نامه را امضا کرد، وحشتناک با ایران ایجاد کرد و به ۱۵۰میلیارد دلار به اضافه ۱.۸ میلیارد دلار وجه نقد به آنها داد». او مدعی شد «ایران یک مشکل بزرگ بود و او آنها را از بند رها کند، به آنها آزادی حرکت در دستتایی به سلاح اتمی داد و ایران به‌جای تشکر از آنها، شعار دادند «مرگ بر آمریکا». شب گذشته کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرد، ترامپ درباره ایران خراب‌کار و به نسل‌مان ولیعهد سعودی تلفنی گفت‌وگو کرده است.

تغییرمسیر چندپرواز

به‌دنبال این اتفاق آمریکا و شرکت‌های هواپیمایی چند کشور دیگر مثل هلند، بریتانیا، آلمان و استرالیا عبور هواپیماهای مسافربری خود را از آب‌های ایران متوقف کردند. این اتفاق واکنش‌های مانند سرنگونی کشورهای دیگر داشت. مطابق معمول بحرین و اسرائیل یشتاز مدعی‌شدن درباره این اقدام ایران شدند. در مقابل روسیه درباره وقوع تنش در منطقه هشدار داد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه گفت حمله نظامی از سوی آمریکا علیه ایران برای منطقه فاجعه‌بار خواهد بود. زیرا این مسئله منجر به افزایش خشونت و همچنین افزایش آوارگان منطقه خواهد شد. اگر آمریکا اقدام نظامی علیه ایران اتخاذ کند، پیامدهای اسفنجاری به‌دنبال خواهد داشت، تاجایی‌که شمارش این پیامدها کاری دشوار خواهد بود. مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه نیز در واکنش به این حادثه گفت: «به‌تازگی حقایقی مانند سرنگونی پهباد آمریکایی رخ داده است، بنابراین من همه طرف‌ها را به آرامش دعوت می‌کنم. تنش نظامی هیچ سودی برای ما نخواهد داشت».
مرکل نیز پس از نشست دوروزه اتحادیه اروپا در بروکسل در جمع خبرنگاران گفت: «ما درباره این وضعیت نگران بوده و خواهان مداخله دیپلماتیک و حل‌مسئله منجر به برای موقعیتی بسیار متشنج هستیم».
رویتز نیز در خبری مدعی شد پیامی تهدید‌آمیز از سوی ترامپ با واسطه‌گری عمان به ایران رسیده است. این خبر البته از سوی مقامات ایرانی تکذیب شد.

ماجرای سرنگونی پهباد آمریکایی قسمت اول از یک فصل پرخبر خواهد بود.